



ب) امانسز بر عشق و درد لی بر بانک بیاناتی

پیلان بر کنجه سوہرک اوندن اوکا فاچان  
نک اوئنه دونوب بر پچا قله سله دامارلینى  
بر کنجه تەز

فوقه شده، وفي اول شوره دارالله دو رفره وابي  
کچ ابردند غایل و حزانتي بر هر عشق پيش داداين،  
که که آورم و گرگه بروز روی از قدر  
شدت موشره که پيکري بري گون کوره  
ناعماهه است اول روز شمس، بو همراهان دست  
آورده بخته اول روز شمس، بو همراهان دست  
دوشنبه پيدا ميگشند، و بش و بش  
موهافت و درم و اوق اوج کون اول تکرار  
اویه بقول اشتم دیگر طردند ره بآور فرات  
طواریه اتفاقات غافیه بپنهان باشند،  
وندن اکي کجه اول آشام او زير و غون  
از گزنه اونهايي اونهايي هر چهارم هر ساعت  
دونه دوله رو بودزي، ره بهنه بوله هر گزنه  
اشي گزنه و : بيله م سنه همچه نهاده ؟  
دهدهي، اساساً يك تک ايدم، ووري  
چور درم، و اونهايي هر چهارم هر ساعت  
شي ايد، پوشري سرگزه هر چهارم هر ساعت  
آکندانه، ما پلکان اينچه اگذره اورام  
فديزه بروز و نهون اغفال اينکه هسته شده،  
هزيلانه بلوش رهه ادا كه داني آلا خاهه  
و شاهه ماهه مستقبل فارسیه بولندند آلتی  
پوشري سرگزه هر چهارم هر ساعت  
هر چهارم هر ساعت، نهانک بدينان و همان  
قطلهه دهد، هر چهارم هر ساعت شکمه آمال رضي  
اولماهه، جمعي سوهه شده، قاطع بگون بآدم  
قربي بونکه، قادر بمنجه مجهي آگه بندن

## جمعیت عمومیہ بلڈی

هیئت اداره دن استئفا ایدنلر لش قبول  
استئفا سی کیزی قو نوش ولدی .  
جمیعت عمومیة بلهه اوی شاهن اچتاو  
مهم مکانیتی داشت که این همه اتفاقات

## پونان مصلحتکداری

ولیس محسناً یانده کی کاتبک ما ضیی  
یوزدن انقره به کیده بور  
بمان مصلحتکناری بولیسیک استانبول

و روشن متصالح و در هر چنده از  
حرکت اینچه داشت. بدینکه معلوم شد. حاره  
پولیس اخراج کرد. اینکه کیمیست و آنفرموده  
آشناکی های خواسته ای را همچنانه رعایت نمود.  
ایده منور شد. و بنان صرف خانه برواده کرد.  
هزار کام اینچه معمی کرد که کوچک کرد.  
جاگه بلوک پلیسیت بروادن می خواست. معنده نداشت.  
اوله که بلوک اینچه معمی کرد. بر برواده دشی او با  
استنبال اینچه معمی که خود را بعزم عرضه کرد.  
از لذتمند. و که اوقتمان که بوان از درجه های  
سر خصوصی اینچه بلوک هر چنده تقدیر بروان و ناموس  
حکومیتی تعیین کرد. و شخص که برواده  
منظره ای داشت. و بروانه قدر بروان و استنبال اینچه.  
آنچه باختیاری می خواست. بروانه برووم اینچه همینه  
استنبال اینچه بلوک که توکل سعی رسید. بروان و ناموس  
تعاقی درسا ایش داشت. که همچناند. استنبال اینچه  
بوان نیمه مندن ایه. حکومت. مادری  
قارا کان لان بوله ره شخنه خود را  
داده اند. بوله اینچه کیمیست و سما پریده کرد.  
آن که کدیگر دلان بوله ره صاحب نکنند  
بیل نیک عزیز ایه بولیسیت حکومت  
بوله نهاده در. و بولیک آنچه کردند که بیل  
بیل نیک که داشته حرکت اینچه خواهد  
ایده بکر.  
-----  
**بنان قرائی فاجه حق**  
ا دریه (۷-۶) — بکرس محال  
بنان قرائی آنچه در این راه انتظار اینچه دارد  
بکرش عذرخواهی طلب کند. عازی می خواهد و باعث این  
استخاره است. ظاهراً بکرش پریزنده بوله  
بنان حکومتی نزدیه مشترک پریزنده بوله  
مشترک لان دندوره دارد. و تشدید این مقصده بوله  
حکومتی جهوریت اعلانی فکر کردن صریح  
ایستاده که معمول بروند ایش.

سوریه دهل اوایلور ؟  
مصر علاماتن اشتبانی  
( سرهان اسناج و مدنی ) ( فاطمیک ) دی  
بود ادله قیاقوی طلبی دهن نامه بروان  
اعیکمه اولده لیلی همین اذکار فرق اس  
قو پیوه همچو ( آلمانی ) به چهار رکذا  
البغدادیه دهند اوقونکده .  
امداد سوری - امداد سوری  
ایپی نظمامه دهند باختی سرلاخانه او  
امین صوص اسکو هفمال جلس هم  
نظمامه داخنیه اهلان کیر جلس نیا  
و رسات داخنیه اسلامیه اتفاق اعک  
چایمهقده عن اولده بینی الملاع دهند باز ملکه  
سوریه دلن آتنون قاپیرانل و کوبلیل  
آچیق کوزلک  
سوریدن فاطمه اوچ سنه دنده ابری  
اوطرموبلله آتنون قایقی بیلاد ، فاط

شیئت میعوشه بو کون کیدیور

ستانبولده تدقیق نمده بولوشن و غلطه برای لیسمی حق  
دیگر نمیشود. - هیئت آفریقہ بعودت اینچه همتی قابل  
امداد از این کارخانه بکار آمد و این حکم داد.

مهاجرلری ارمستانه کیدیو  
برآشی اشاندە (چۆزین) ارمنی مهاجرلرینک روپیه  
وە دەستەنگىشلىنى سۈرىپەت حۇكمىت بۇنىڭ ئاطقىيەلە مشتە  
زىرنىزدە هېچ رى شىمىدى يەقدەر ارىتىلە فەلى بويارىچىمەدە  
مهاجرلۇغىزە بەرڭار تىلى وەين ئەظەن  
حەكىي اولىدە \*  
ما ئەنۋىن بولۇش ارمانتانە بىرلە  
مهاجرلۇك وە ئەتىپ مېتىنەنە خەزمەدە  
بۇزۇنگىس ماڭىزىن بولۇش و  
ئۆزۈن دەرۋازىن مەتىنەتى  
نادىريي اپساخ ايدىل دىۋرگە كە  
مەكىنلىرى چۈرى قىيىددە.  
ئۆرسەن (٢٠٠٠) نۇرساھار  
بۇلۇر حۇكمىت ماساپىنەلە ئادارە اوا  
نادىزىن كى ماھارىلىق ئابىجەن بەجەن  
درەندەسىن ساماد ئاكار  
مەكتەپلىك دەرىزلىلىنى  
سەكىر كەپرسە سۈرىپەت چەپەرلىرى  
ئىسىسى لەلۈزۈمەنىڭ شەققان  
ئەنلىق ئەلى بىلەن مهاجرلۇق ئۆزى  
دەنەنەتلىك دەنەنەتلىك

آموزی فاده سو، فصل سیم



## توتونک لذتی

آنچه سیاره کاغذنی تماشی اهل قاتم.  
پاسه مسیح مسیح مسیح کاغذنی کاغذنی اهل  
و ایک نیزی او نه بیرون رفت عمومی فیضانی  
قزمی کوسک مکنندگی مشهور.

## بون کاغدی » در

خانلردن ساقی اینون (خ. دروغون)  
هریت و (بون) کفته دست ایدیکن.  
نه سیلدده علی خانه خ دهه خ.



عفکنیز شیخ مسیح کوسک  
سامانکار ایشان، ای اسادمیم،  
ان کریل ران ایوریز  
ستینکن ایلر پر  
بریزندنک ۱۵ ساله شیرینیز کیزدیریز  
جیت شایخ شکن

۱۱۰

۱۲۰

۱۳۰

۱۴۰

۱۵۰

۱۶۰

۱۷۰

۱۸۰

۱۹۰

۲۰۰

۲۱۰

۲۲۰

۲۳۰

۲۴۰

۲۵۰

۲۶۰

۲۷۰

۲۸۰

۲۹۰

۳۰۰

۳۱۰

۳۲۰

۳۳۰

۳۴۰

۳۵۰

۳۶۰

۳۷۰

۳۸۰

۳۹۰

۴۰۰

۴۱۰

۴۲۰

۴۳۰

۴۴۰

۴۵۰

۴۶۰

۴۷۰

۴۸۰

۴۹۰

۵۰۰

۵۱۰

۵۲۰

۵۳۰

۵۴۰

۵۵۰

۵۶۰

۵۷۰

۵۸۰

۵۹۰

۶۰۰

۶۱۰

۶۲۰

۶۳۰

۶۴۰

۶۵۰

۶۶۰

۶۷۰

۶۸۰

۶۹۰

۷۰۰

۷۱۰

۷۲۰

۷۳۰

۷۴۰

۷۵۰

۷۶۰

۷۷۰

۷۸۰

۷۹۰

۸۰۰

۸۱۰

۸۲۰

۸۳۰

۸۴۰

۸۵۰

۸۶۰

۸۷۰

۸۸۰

۸۹۰

۹۰۰

۹۱۰

۹۲۰

۹۳۰

۹۴۰

۹۵۰

۹۶۰

۹۷۰

۹۸۰

۹۹۰

۱۰۰۰

۱۰۱۰

۱۰۲۰

۱۰۳۰

۱۰۴۰

۱۰۵۰

۱۰۶۰

۱۰۷۰

۱۰۸۰

۱۰۹۰

۱۱۰۰

۱۱۱۰

۱۱۲۰

۱۱۳۰

۱۱۴۰

۱۱۵۰

۱۱۶۰

۱۱۷۰

۱۱۸۰

۱۱۹۰

۱۲۰۰

۱۲۱۰

۱۲۲۰

۱۲۳۰

۱۲۴۰

۱۲۵۰

۱۲۶۰

۱۲۷۰

۱۲۸۰

۱۲۹۰

۱۳۰۰

۱۳۱۰

۱۳۲۰

۱۳۳۰

۱۳۴۰

۱۳۵۰

۱۳۶۰

۱۳۷۰

۱۳۸۰

۱۳۹۰

۱۴۰۰

۱۴۱۰

۱۴۲۰

۱۴۳۰

۱۴۴۰

۱۴۵۰

۱۴۶۰

۱۴۷۰

۱۴۸۰

۱۴۹۰

۱۵۰۰

۱۵۱۰

۱۵۲۰

۱۵۳۰

۱۵۴۰

۱۵۵۰

۱۵۶۰

۱۵۷۰

۱۵۸۰

۱۵۹۰

۱۶۰۰

۱۶۱۰

۱۶۲۰

۱۶۳۰

۱۶۴۰

۱۶۵۰

۱۶۶۰

۱۶۷۰

۱۶۸۰

۱۶۹۰

۱۷۰۰

۱۷۱۰

۱۷۲۰

۱۷۳۰

۱۷۴۰

۱۷۵۰

۱۷۶۰

۱۷۷۰

۱۷۸۰

۱۷۹۰

۱۸۰۰

۱۸۱۰

۱۸۲۰

۱۸۳۰

۱۸۴۰

۱۸۵۰

۱۸۶۰

۱۸۷۰

۱۸۸۰

۱۸۹۰

۱۹۰۰

۱۹۱۰

۱۹۲۰

۱۹۳۰

۱۹۴۰

۱۹۵۰

۱۹۶۰

۱۹۷۰

۱۹۸۰

۱۹۹۰

۲۰۰۰

۲۰۱۰

۲۰۲۰

۲۰۳۰

۲۰۴۰

۲۰۵۰

۲۰۶۰

۲۰۷۰

۲۰۸۰

۲۰۹۰

۲۱۰۰

۲۱۱۰

۲۱۲۰

۲۱۳۰

۲۱۴۰

۲۱۵۰

۲۱۶۰

۲۱۷۰

۲۱۸۰

۲۱۹۰

۲۲۰۰

۲۲۱۰

۲۲۲۰

۲۲۳۰

۲۲۴۰

۲۲۵۰

۲۲۶۰

۲۲۷۰

۲۲۸۰

۲۲۹۰

۲۳۰۰

۲۳۱۰

۲۳۲۰

۲۳۳۰

۲۳۴۰

۲۳۵۰

۲۳۶۰

۲۳۷۰

۲۳۸۰

۲۳۹۰

۲۴۰۰

۲۴۱۰

۲۴۲۰

۲۴۳۰

۲۴۴۰

۲۴۵۰

۲۴۶۰

۲۴۷۰

۲۴۸۰

۲۴۹۰

۲۵۰۰

۲۵۱۰

۲۵۲۰

۲۵۳۰

۲۵۴۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مطبوعة قرآن وسورة العنكبوت  
پیغمبر سنت خانه قارشیان  
بروک نفیان مانعه روحی فاتح  
لطفمن نوری: هشتمین جلد ۱۴۰۲

هیئت مبعوثه نک انقره یه حرکتی  
فهي بلک مغارفلک بوئوه مشکوره رغماً انسانی  
عموی انباهی ممنونینه ذکر اید بور



هیئت مبوبه ای (اور نهاد فنی بلک) دون، یمدر پاشا  
انسانیت نهاده (سانده و ول)  
دیگر ذات طریق ن تشییع اولونوک ..  
یک توڑک جمهوریت نهاده عملک اتمم ایتمد ★

# ست جمهور قادر وسی تشكیل ایتدی

بابا افتیم افندی بر کره دها کلدی!

پطري فخانه اويند بخون قورقيور ؟ او ديوارك اکر او صلوغه عالي  
برآدي پطري فخانه باشه كيررسه او وده راحت اندده زده ؟  
پنكير خوس ابیون هادا شاهله جارمهده  
وارود : خلق درود و خارجهون قورقازه  
رات و سکون خوش بخون مصلحتون ماقلي  
جاه اچك ، سامانه همچنانه باشند  
سوکول استان توبه ، هرچند كاره ماءهون رسوبه  
پدره همچنانه باشند استان توبه

طوب و سرعت تعلیمی را یا به حق،  
شیده میکنند با شنیدن که بگذر.  
تمدیر و نوتوانی خانم بولان خودیه فروروز  
زوریز دون صاحب ساعت آنده که بر پرورد  
کیکار خلیل زدن مرسیه طوب و سرعت  
جذبه میکند مرسیه طوب و سرعت  
پای خود را میگیرد. جو به مسیح خودیه داد  
ایمده میگذر کیکه هم از این کوشش تمام گرفت  
او زیره عینی ازداد و درست شد. دیده به  
عات کلک و منعن برآمد  
قدم صارصی نیاز نداشت  
اولون اطرافه را داشت  
جهانه حق دعوه بزمیان  
له حق دعوه بزمیان

A black and white portrait of Sayyid Qutb, an Egyptian political thinker and writer. He is shown from the chest up, wearing a dark suit and a white shirt. He has a serious expression and is looking slightly to his right. The background is plain and light-colored.

رسی تشکل ایتدی  
گروه فادروسی شموده هنگل اخشد  
بر کان، بر بکا، بر کام هنگری (بکرا) هنگل  
بر سر پاروی پیکانی رزمندنه بر طور، بری  
آن غم خصوص دارمه سنده بزمدریز، بر میخی  
بر آنورلو بر دروده سنده، آمودری، بر اوزان  
که آنچه برداشته مدیری الهی شفود اوی اینکی  
موسوفدهن وارد او  
دانستان کوکالاند  
تروپکواهه علیساکوس و سرو  
مشوده و ساسی سلامان کله  
طوفخریه اجرای تائید و اکر  
مسانظر سنت تئاتریه اسی اوکر  
هدلیه لفاف، بالا  
دلک، قطف، لوشیده، موجوچه  
شمار اندکه، رغزنه ای  
او دیبور که اکر او صلوغه ای  
که داشت اندده، زده  
او ده راحت اندده، زده

د اغستانیلار عاشر مئه

طوب و سرعت تعلیماری یا به جو  
شیعه میلک با شمه ره کینه به چکدر  
بمیر و غلوتی اخمام بولان جویه فروو  
زور چک در دن ساح سامت گردی کور بر چهود  
پارکر چک خوشیده میم مده طوب و سرعت تعلیماری  
پایا خداوند هر چکی خودنیه اه  
او زر چک میکدر کیکه میم افزایش که ایام کورکم  
ازمیز و اطالله به کهنه چک شیبدله و غری  
تفدم افلاکه دنمه و قوه فواماتانه افظی  
کهنه ایمه حیمه ایمه ایمه ایمه ایمه ایمه ایمه  
چهانه هر چهانه هر چهانه هر چهانه هر چهانه هر چهانه  
چهانه هر چهانه هر چهانه هر چهانه هر چهانه هر چهانه هر چهانه

منافق و مفسد ناصل قالدیریلیر؟

جاهل، فقط صاف، خیروخواه، اینی کوتولی عقل سلیمانی ایله  
مدرک، بناءً علیه نور عرفانیه قابل تهدیه درد... یا ونه کیلر؟ ...



آچلقيوزندن قيزىنى بوجازلامق،  
لنېسى أولدو مرلەك اىستېسەم زوالى قادىئىك فامىھەسى



